

جنگ اوکراین فعلا برنده یا بازنده قطعی ندارد

محمود شوری، معاون اندیشکده ایراس در گفتوگو با «اعتماد»:

پیششرط‌های روسیه، کمکی به مذاکرات پایان جنگ نمی‌کند

محمدحسین لطف‌الهی| 48 روز پس از آغاز حمله نظامی روسیه به اوکراین، مسکو که در تصرف شهر کیف ناکام ماند در آستانه آغاز یک عملیات گسترده نظامی در شرق اوکراین است و همزمان تلاش می‌کند بر انزوایی که حاصل فشارهای اقتصادی و دیپلماتیک غرب است غلبه کند. روسها تلاش دارند با ایجاد یک واقعیت جایگزین در رسانه‌ها که بتواند در مقابل روایت غرب از مساله اوکراین قرار گیرد، فشار افکار عمومی را خنثی کنند و با کسب پیروزی در میدان نبرد و تحمیل خواسته‌هایشان بر دولت اوکراین، زمینه را برای پایان دادن به جنگ فراهم کنند اما آنها چه موانعی پیش روی خود خواهند داشت؟ محمود شوری، معاون اندیشکده ایراس در گفتوگو با «اعتماد» می‌گوید برآورد روسیه از شرایط اقتصادی و سیاسی در داخل کشورشان، اصلی‌ترین عوامل تاثیرگذار در این تصمیم‌گیری هستند. او معتقد است پیششرط‌های مدنظر روسیه کمکی به پایان دادن به جنگ نمی‌کند.

نزدیک به 50 روز از حمله روسیه به اوکراین می‌گذرد. مجموعه اتفاقاتی که طی این مدت رخ داده شرایط را به نفع کدام یک از طرفها تغییر داده و آیا می‌توان یک طرف را به عنوان برنده یا بازنده قطعی وضعیت فعلی معرفی کرد؟

واقعیت این است که همه طرفها از جنگی که نزدیک به 50 روز قبل روسیه آغاز کرد، آسیب‌های جدی دیده‌اند. نمی‌توان گفت کدام طرف برنده ماجراست یا کدام طرف رقابت را به رقیب واگذار کرده است. حتی هنوز چشمانداز خیلی روشنی هم از آینده در این رابطه وجود ندارد. به هر حال روسیه دست به اقدامی زد که بسیاری از معیارها و

الگوهای فکری و تحلیلی را تحت تاثیر قرار داد و باعث فروپاشی کلیشه‌های تحلیلی در دوران پس از جنگ سرد شد. دیگر ما با شرایطی مواجه هستیم که امکان صحبت از بسیاری از مفاهیمی که در دوران آغاز پسا جنگ سرد مطرح می‌شد نظیر «پایان تاریخ و پیروزی لیبرالیسم»، «جهانی شدن اقتصاد»، «دهکده جهانی» و خیلی از مفاهیم مشابه وجود ندارد. بر همین اساس، تصوراتی مانند اینکه جهان جای امن‌تری نسبت به قبل شده و نهادهای بین‌المللی در تثبیت صلح و آرامش موفق بوده‌اند زیر سوال رفته است. اگر بخواهم نظر خودم را بگویم، باید گفت رفتاری که روسیه انجام داده با هیچ معیاری قابل قبول نیست و هیچ عقل سلیمی چنین سیاستی را تایید نمی‌کند اما این مساله را هم باید در نظر گرفت که این اقدام روسیه نتیجه شکست 30 سال تلاش غرب برای یکدست کردن جهان بود و عملاً ما شاهد بودیم که این تلاش‌ها به بن‌بست رسید. اکنون شاید حتی بتوان گفت جهان به وضعیتی بازگشته که ما پیش‌تر در قرن نوزدهم شاهد آن بودیم. به همین دلیل باید تاکید کرد دست‌کم تا آینده کوتاه‌مدت و قابل پیش‌بینی نمی‌توان از يك برنده یا بازنده قطعی در نتیجه آغاز جنگ اوکراین نام برد، چراکه هر دو طرف به‌رغم اینکه دستاوردهایی نسبی پیدا کردند اما این اطمینان وجود دارد که همه طرف‌ها بدون استثنا در آینده از این رویارویی دچار آسیب خواهند شد.

روسیه تا امروز به دستاوردهایی در جنگ با اوکراین دست یافته است. جلوی پیوستن این کشور به ناتو را گرفته و طی حمله نظامی به اوکراین بخش‌هایی از خاک این کشور را در اختیار گرفته. آیا دستاوردهای کنونی ارزش تحریم‌های بسیار گسترده‌ای را که علیه روسیه اعمال شد داشت؟

تا زمانی که اوکراین به مصالحه‌ای با روسیه تن ندهد نمی‌توان گفت که مسکو دستاورد قابل توجهی را به دست آورده است. اگر چه يك دستاورد نسبی روسیه این است که تا آینده قابل پیش‌بینی امکان پیوستن اوکراین به ناتو منتفی شده و بسیاری از ظرفیت‌ها و توانایی‌های نظامی اوکراین در نتیجه این جنگ از بین رفته است. اوکراین تا سال‌های سال باید برای بازسازی ظرفیت‌ها و زیرساخت‌های اقتصادی و نظامی خود وقت بگذارد. از همین رو، من تصرف سرزمینی را نمی‌توانم به عنوان يك دستاورد برای روسیه در نظر بگیرم، چراکه از ابتدا روس‌ها اساساً به دنبال تصرف سرزمینی به این معنا که بخواهند اشغالگری نکنند نبودند بلکه هدفشان تصمیم اوکراین بود. اگرچه اتفاقاتی که در شرق اوکراین به ویژه پیرامون دو منطقه دونتسک و لووانسک رخ می‌دهد احتمالاً باعث می‌شود سرنوشتی نظیر آنچه برای کریمه در سال 2014 اتفاق افتاد برای این دو منطقه نیز اتفاق

بیفتد. به هر حال مساله روسیه این بود که اوکراین تسلیم شود و موضوع عضویت اوکراین در ناتو برای همیشه منتفی شود. تا مشخص شدن نتیجه نهایی جنگ نمیتوان درباره ارزش داشتن یا نداشتن این اقدام برای روسیه قضاوت کرد.

مذاکرات میان روسیه و اوکراین در جریان است. سفیر روسیه در تهران به روزنامه اعتماد گفته بود روسها در مذاکرات 5 خواسته اصلی از اوکراین دارند که شامل خلع سلاح کردن اوکراین، به رسمیت شناختن کریمه به عنوان بخشی از روسیه، به رسمیت شناختن دونتسک و لوهانسک به عنوان دو جمهوری مستقل در چارچوب مرزهایی که این جمهوریها داشتند، اعلام وضعیت منطقه عاری از سلاح هسته‌ای در اوکراین و اعلام بیطرفی اوکراین میشود. به نظر شما اختلاف بر سر کدام مساله باعث شده مذاکرات میان دو طرف همچنان بدون نتیجه جدی در راستای پایان جنگ باقی بماند؟

یک مشکل جدی در مذاکرات برای اوکراین این است که هر توافقی با روسیه عملاً به معنای پذیرش جدا شدن کریمه از اوکراین و الحاق آن به روسیه است. پذیرش این موضوع برای اوکراینی‌ها و هر رهبر سیاسی در اوکراین کار آسانی نیست و کیف این مساله را نمی‌پذیرد مگر اینکه آنها تحت فشار شدید اقتصادی و نظامی قرار داشته باشند. به نظر من اوکراینی‌ها پس از موج اول حمله نظامی روسیه تا حدود زیادی موفق شدند فشارها را کاهش دهند و بخشی از فشارها را پشت سر بگذارند. به نظر می‌رسد اگر دو طرف راه‌حلی برای این چالش پیدا نکنند و بحث کریمه همچنان در پیوند با دیگر موضوعات مورد انتظار روسیه در مذاکرات با اوکراین باقی بماند، راه تعامل میان دو طرف بسته خواهد شد. در نتیجه تصور احتمال اینکه با وجود این شرایط یک رهبر سیاسی در اوکراین تن به توافق کلی و جامع با روسیه بدهد اندک است اما امکان توافقی اقلیتی نظیر آتش‌بس یا ایجاد کریدورهای انسانی ممکن است.

پس شما تصور نمی‌کنید که پایان جنگ در کوتاه‌مدت امکان‌پذیر باشد؟

پایان جنگ کاملاً به اراده روسیه بستگی دارد. اینکه روسیه چگونه و با چه طرحی می‌خواهد از طریق مذاکره جنگ را پایان دهد آن هم به نحوی که رفتارش نوعی عقب‌نشینی تلقی نشود یا اینکه تصمیم می‌گیرد از طریق تداوم فشار نظامی دولت کیف را وادار به تسلیم کند، سوال اصلی است. من تصور نمی‌کنم اوکراینی‌ها و حامیان غربی این کشور در شرایطی باشند که بتوانند سرنوشت و نحوه پایان جنگ را رقم بزنند و این تصمیمات روسیه است که می‌تواند چنین کاری کند. برآورد روسیه از شرایط اقتصادی و سیاسی در داخل کشورشان، اصلی‌ترین عوامل

تاثیرگذار در این تصمیم‌گیری هستند. در مجموع به نظر نمی‌رسد پیش‌شرط‌های مدنظر روسیه کمکی به پایان دادن به جنگ نمی‌کند. ناکامی روسها در تصرف شهر کیف و عدم دستیابی به اهداف اولیه که براساس گفته‌ها و ارزیابی‌های مقام‌های غربی شامل تصرف کل خاک اوکراین می‌شد، باعث از بین رفتن شهرت نظامی روسیه شد. این موضوع را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

به شخصه برآوردم این نیست که روسیه قصد داشت پایتخت اوکراین را تصرف کند، چراکه تصرف کیف به معنای سقوط دولت در اوکراین است و انجام چنین کاری از سوی روسها باعث می‌شد آنها دیگر با يك دولت قانونی و مشروع از دیدگاه دیگر کشورها روبه‌رو نباشند و دولتی دست‌نشانده بر سر کار بیاورند. این مساله به معنای آن است که مسکو دیگر نمی‌توانست توافقی را با کیف امضا کند که از نظر جامعه جهانی قابل پذیرش باشد. ترجیح روسها این بود که با افزایش قابل توجه فشار از طریق محاصره و حملات کوچک و پیاپی به کیف و تعدادی دیگر از شهرهای بزرگ، زلنسکی را وادار به پذیرش شرایط روسیه کنند یا اینکه او مجبور به استعفا شود و کسی روی کار بیاید که دست‌بازتری برای توافق با روسیه داشته باشد. درست است که بسیاری از تحلیلگران نظامی می‌گویند ماشین نظامی آن‌طور که باید و شاید نتوانست عمل کند و این واقعیت در جنگ بر سر تصرف شهرهایی نظیر ماریوپول و اودسا نمایان شد اما در مورد کیف وضعیت تاحدودی متفاوت است. انتظار می‌رفت روسیه بتواند خیلی زود این شهرهای بزرگ در جنوب اوکراین را تصرف کند اما این‌گونه نشد و مجموعه رویدادها باعث شد نگاه‌ها به قدرت نظامی روسیه تا حدی تغییر کند. البته نباید این مساله را نادیده گرفت که هرچند تا الان هم اخبار زیادی از نقض حقوق بشر از سوی این کشور و حمله به مناطق غیرنظامی و کشتن غیرنظامیان به گوش می‌رسد اما به هر حال مسکو هم ملاحظاتی دارد و مایل نیست به شکل کاملاً غیرانسانی عمل کرده و تمامی شهرها و مناطق مسکونی را مورد حمله قرار دهند. از همین رو امکان تکرار شیوه‌هایی که در سوریه از سوی ارتش روسیه مورد استفاده قرار می‌گرفت چندان ممکن نیست، زیرا در سوریه بحث مقابله با تروریسم مطرح بود و حساسیت‌های زیادی روی اقدامات نظامی علیه این تروریست‌ها وجود داشت اما در اوکراین مساله فرق می‌کند و افکار عمومی در جهان بسیار روی این موضوع حساس هستند. روسها تمایل ندارند مساله در اوکراین زیاد تراژیک شود و از سوی دیگر آنها میدانند که باید در سال‌های آینده ملت اوکراین را به عنوان يك ملت همسایه، چه این همسایه تمایلات غربی داشته باشد و چه شرقی، در کنار خود بپذیرند.

در حال حاضر ارزیابی سرویس‌های اطلاعاتی غربی و وزارت دفاع ایالات متحده این است که هدف بعدی روس‌ها، انجام یک عملیات بزرگ در شرق اوکراین است. به عقیده شما اهداف تعیین شده روسیه در شرق اوکراین چیست؟

هدف حداکثری روسیه این بود که اوکراین کاملاً تسلیم شود و در مذاکره با روسیه خواسته‌های مسکو از جمله عدم پیوستن به ناتو و به رسمیت شناختن مالکیت روسیه بر شبه جزیره کریمه را بپذیرد اما الان که به نظر می‌رسد روسیه پس از نزدیک به 50 روز در دستیابی به این اهداف ناکام بوده، آنها به سویی محقق ساختن اهداف حداکثری خود در شرق گام برداشته‌اند. پیش از شروع جنگ نیز تصور می‌شد هدف اصلی روسیه شرق اوکراین باشد و به نظر می‌رسید اگر جنگی در بگردد، روسیه تلاش کند با جدا کردن بخش‌های شرقی هم ابزار فشاری علیه دولت مرکزی در کیف بسازد و هم منطقه‌ای حائل میان مرزهای روسیه و مرزهای ناتو ایجاد کند.

نظرسنجی‌ها در داخل روسیه که اتفاقاً از سویی مراکز مورد اعتماد نهادها و رسانه‌های غربی انجام گرفته نشان می‌دهد محبوبیت ولادیمیر پوتین، رییس‌جمهور روسیه از زمان جنگ اوکراین بسیار بیشتر شده است. آیا می‌توان گفت فارغ از اینکه در میدان جنگ چه پدید آمده، پوتین توانسته یک پیروزی داخلی برای خود بسازد؟

من خیلی به نظرسنجی‌هایی که در وضعیت کنونی در روسیه صورت می‌گیرد اعتماد ندارم. زمانی که روسیه در سال 2014 توانست شبه جزیره کریمه را به خاک خود منتقل کند، نظرسنجی‌ها و تحلیل‌ها نشان می‌داد محبوبیت آقای پوتین افزایش پیدا کرده چراکه او توانسته است بدون اینکه وارد یک درگیری نظامی مرگبار با طرف اوکراینی شود توانسته پیروز میدان لقب گیرد و یک منطقه استراتژیک را به خاک روسیه اضافه کند. در آن زمان حجم واکنش افکار عمومی و برخورد طرف غربی با این مساله قابل مقایسه با امروز نبود. از سویی دیگر باید اذعان داشت که وضعیت رسانه‌ها در روسیه با گذشته تفاوت دارد و کنترل دقیق و بسیار گسترده‌ای علیه رسانه‌ها در داخل روسیه صورت می‌گیرد. با این وجود مردم اعتراضاتی در داخل روسیه به راه انداختند و صدای اعتراضشان را به گوش دنیا رساندند. من نمی‌دانم تا چه اندازه این نظرسنجی‌ها دقیق و بر پایه مشاهدات و سوالات علمی هستند اما نمی‌توان از کنار این واقعیت به راحتی گذشت که بخشی از جامعه روسیه از قدرتمندی رهبران‌شان حمایت می‌کنند و معتقدند وضعیت فعلی ناشی از شرایط اجتناب‌ناپذیری است که غرب به وجود آورده است. به عقیده من این شاخص‌ها -چه خوب یا چه بد- خیلی زود واقعی بودن یا نبودن خودشان را نشان خواهند داد. زمانی که تحریم‌ها اثر بگذارد و

اقتصاد روسیه دچار آسیب جدی شود مشخص خواهد شد چند نفر از شهروندان واقعا با این اقدامات موافقند و حاضرند تبعات آن را بپذیرند. هنوز بسیاری از مردم در روسیه امیدوارند که روسیه بتواند با يك پیروزی مساله را مدیریت کرده یا با طرفهای غربی به يك مصالحه دست پیدا کند. اگر تا چند ماه آینده این اتفاق نیفتد، شرایط داخلی در روسیه میتواند متفاوت باشد. به نظر من روسها بیش از آنکه در کوتاهمدت نگران روابط اقتصادی باشند، نگران واکنش مردم خودشان هستند. مردم روسیه در سالهای گذشته پیوند فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی نزدیکی با کشورهای اروپایی و مردم اروپا داشتند و حالا تبعات اقدام اخیر دولتشان مستقیما روی زندگی آنها اثر میگذارد. از سوی دیگر باید روی این موضوع تاکید کرد که بعد از مدتی روسیه با تحریمها تطابق پیدا میکند و هم غربیها با فشارهای احتمالی روسیه در حوزه انرژی کنار خواهند آمد. اگر این اتفاق بیفتد ما شاهد يك نوع بی‌نیازی دو طرف از یکدیگر خواهیم بود که باعث افزایش تنش سیاسی میشود. آن چیزی که امید به کاهش تنشها را در حال حاضر زنده نگه داشته نیاز متقابل دو طرف به یکدیگر است و اگر این مساله هم از بین رود، ممکن است ما به يك نوع بلوک‌بندی جنگ سردی بازگردیم. در آن زمان اتحاد جماهیر شوروی ساختارهای اقتصادی خاص خودشان را داشتند و کشورهای غربی نیز ساختارهای اقتصادی خاص خودشان را داشتند، اما امروزه دو طرف با توجه به حجم گسترده تجارت دو جانبه‌ای که وجود داشت شرایط متفاوت است. کلید پیش‌بینی و تحلیل حوادث آینده در روسیه تصمیمات اقتصادی کرملین است که باید آن را بیش از همیشه زیر نظر داشت و این تصمیمات میتواند نشان دهد آیا روسیه در آینده چه سیاستی را در قبال جنگ اوکراین در پیش خواهند گرفت.

مساله‌ای که وجود دارد این است که روسیه در پایان این جنگ چه به عنوان طرف پیروز و چه به عنوان طرفی که در دستیابی به اهداف خود ناکام بوده، کشوری خواهد بود که با حجم بسیار زیادی از تحریمها مواجه است. اساسا مسکو چه گزینه‌هایی برای گذاشتن روی میز دارد تا بتواند از آنها در راستای رفع تحریم استفاده کند؟

بله این يك واقعیت است که در پایان جنگ روسیه با تحریم‌هایی مواجه خواهد بود که بار این تحریمها به سادگی از روی دوش روسیه برداشته نخواهد شد. این تحریمها حتما تا زمانی که روسیه با غرب مصالحه کند ادامه خواهد داشت. به‌طور حتم روسها در فاصله سال 2014 تا شروع جنگ اخیر اوکراین به این مساله فکر کرده‌اند که باید چه واکنشی را در مقابل تحریم‌های احتمالی غرب که حقیقتا تنها ابزار موثر غرب علیه روسیه است نشان دهند و چاره‌هایی برای آن

اندیشیده‌اند. طبیعتاً شرایط اقتصادی در همین مدتی که از آغاز جنگ می‌گذرد نشان می‌دهد که روسیه غافلگیر نشده و توانسته مساله را مدیریت کند. برخی شاخص‌های اقتصادی نیز این واقعیت را تایید می‌کنند که روسیه تا اینجای کار در مدیریت وضعیت موفق بوده است. روسها در صورتی که موفق نشوند تحریم را رفع کنند، به این سمت و سو خواهند رفت که از ابزارهای خود در يك جنگ اقتصادی با غرب بهره بگیرند و به کشورهای غربی آسیب وارد کنند. در حوزه اقتصادی ما با يك بازی راننده دیوانه مواجه هستیم که هر دو طرف با تمام سرعت به سوی یکدیگر می‌رانند و منتظر هستند که طرف مقابل ناگزیر به عقب‌نشینی شود و مسیر خود را کج کند. یعنی هم فشارهایی که غرب می‌تواند به روسیه وارد کند فشارهای سنگینی است و هم فشارهایی که روسیه می‌تواند علیه غرب اعمال کند، فشارهایی جدی است.

يك مشکل جدی در مذاکرات برای اوکراین این است که هر توافقی با روسیه عملاً به معنای پذیرش جدا شدن کریمه از اوکراین و الحاق آن به روسیه است. پذیرش این موضوع برای اوکراینی‌ها و هر رهبر سیاسی در اوکراین کار آسانی نیست و کیف این مساله را نمی‌پذیرد مگر اینکه آنها تحت فشار شدید اقتصادی و نظامی قرار داشته باشند. انتظار می‌رفت روسیه بتواند خیلی زود این شهرهای بزرگ در جنوب اوکراین را تصرف کند اما این‌گونه نشد و مجموعه رویدادها باعث شد نگاه‌ها به قدرت نظامی روسیه تا حدی تغییر کند.

بعد از مدتی روسیه با تحریم‌ها تطابق پیدا می‌کند و هم غربی‌ها با فشارهای احتمالی روسیه در حوزه انرژی کنار خواهند آمد. اگر این اتفاق بیفتد ما شاهد يك نوع بی‌نیازی دو طرف از یکدیگر خواهیم بود که باعث افزایش تنش سیاسی می‌شود. آن چیزی که امید به کاهش تنش‌ها را در حال حاضر زنده نگه داشته نیاز متقابل دو طرف به یکدیگر است و اگر این مساله هم از بین رود، ممکن است ما به يك نوع بلوک‌بندی جنگ سردی بازگردیم.

کلید پیش‌بینی و تحلیل حوادث آینده در روسیه تصمیمات اقتصادی کرملین است که باید آن را بیش از همیشه زیر نظر داشت و این تصمیمات می‌تواند نشان دهد آیا روسیه در آینده چه سیاستی را در قبال جنگ اوکراین در پیش خواهد گرفت.

رفتاری که روسیه انجام داده با هیچ معیاری قابل قبول نیست و هیچ عقل سلیمی چنین سیاستی را تایید نمی‌کند اما این مساله را هم باید در نظر گرفت که این اقدام روسیه نتیجه شکست 30 سال تلاش غرب

براي يك دست كردن جهان بود و عملا ما شاهد بوديم كه اين تلاشها به بن بست رسيد .

منبع: روزنامه اعتماد 24 فروردين 1401 خورشیدی